

امیرحسین اسلامی

موسیقی و حیوانات

در زمینه‌ی چگونگی خلق آواها در فرهنگ‌های بدوی به طور کلی چهار منبع اساسی زیر عنوان می‌شوند:

۱. الهام از نیروهای ماوراءالطبیعه

۲. خلق آواز به طور انفرادی

۳. اقتباس از موسیقی سایر فرهنگ‌ها

۴. الهام از موسیقی طبیعت (صدای حیوانات و پدیده‌های طبیعی)

خلق آواز با الهام از نیروهای ماوراءالطبیعه تحت شرایط مختلف صورت می‌پذیرد، از جمله در خواب یا به هنگامی که شخص در کوهستان، دره و دشت تنهاست. در این شرایط روح یا رؤیای مافوق‌الطبیعه معمولاً به صورت «حیوانی» مثل گوزن، خرس و پرنده یا درخت، گیاه و حتی حشره در برابر شخص ظاهر می‌شود و آواز را به او می‌آموزد. در موسیقی هندوستان هر یک از اصوات توالی مینا یعنی (سا، ری، گا، ما، پا، دها، نی) با صدای حیوانی مترادف است. این ترادف اصوات توالی مینا به طور تقریبی با صدای حیوان مترادف آن تطابق داشته است.

در موسیقی چین دوازده صدای اکتاو به طور آگوری اصوات متفاوتی را مشخص می‌کنند که طبیعت ذاتاً در سه عنصر اصلی خود یعنی: حیوانات، گیاهان و جمادات داراست.

موسیقی انسانی با موسیقی طبیعت هم‌آوایی و یکسانی دارد این هم‌آوایی را می‌توان در تقلید صدای پرندگان و حشرات و دیگر حیوانات در میان نواهای سازها جست‌وجو کرد. آن‌چه می‌خوانید بخش کوتاهی از یک تحقیق درباره‌ی حضور طبیعت و نواهای طبیعی در موسیقی است.

«شیرمحمد اسپندار» نوازنده دوتلی که در بمپور سکونت دارد، معتقد است که با قطعه‌ی «سازمار»، یکی از قطعات سازی رایج در موسیقی بسلوچستان، می‌توان مار را رام کرد. وی خاطره‌ای را برای دکتر محمدتقی مسعودیه چنین نقل کرده است:

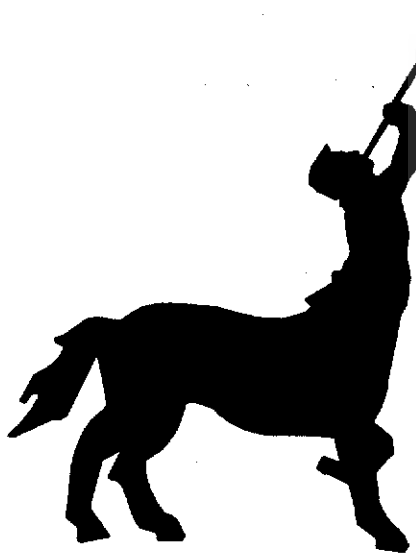
«... حدود ساعت یک بعد از نیمه شب در مزرعه سرگرم آبیاری بودم. برای رفع خستگی و حداکثر بهره‌گیری از آب مزروعی، دوتلی می‌نواختم. ناگهان مار خطرناک جعفری را دیدم که در فاصله‌ی تقریباً ۲۵ سانتی‌متری من حلقه زده و به نوای دوتلی گوش می‌داد. این مار بدون آنکه کوچکترین آزاری رساند، فقط به آهنگ دوتلی توجه داشت.»

در زمینه‌ی سمبولیسم سازها نزد فرهنگ‌های بسدوی لازم است همچنین اهمیت ویژه طببل غول‌آسایی که از تنه درخت ساخته شده و روی آن شیار یا شیارهای وسیعی قرار دارد، خاطرنشان شود. اصولاً این طببل در خیلی از موارد طرح انسان را داراست و گاهی نیز به شکل «حیوان» مثلاً ماهی، ببر، میمون و غیره ساخته می‌شود.

چگونگی پیدایش اولین فلوت در اسطوره‌های متعلق به اهالی «بستانی» در شمال گینه این‌گونه عنوان می‌شود:

«روزی مردی همراه با همسر خود در باغ میوه مشغول چیدن میوه بود، ناگهان یکی از میوه‌هایی که او از بالای درخت به سوی همسرش پرتاب می‌کرد به نی

نواهای طبیعت در موسیقی



سفتی اصابت می‌کند و نی را با صدای بلندی به دو نیم تقسیم می‌کند. همسر مرد از صدای نی وحشت کرده و پا به فرار می‌گذارد. در این موقع از درون نی دو نیم شده کیبوتری بخ‌بخ‌کنان خارج می‌شود. مسرد بلافاصله کیبوتر را در پرچینی گرفتار کرده و به روستا بازمی‌گردد و دوستانش را از این واقعه باخبر می‌سازد. پس از آن که اهالی روستا حادثه را می‌شنوند، می‌کوشند به هر نحو شده از نی صدایی ایجاد کنند. آن‌ها سرانجام کشف می‌کنند که با دمیدن در نی می‌توان صدای بلندی همانند صوت کیبوتری که از درون آن خارج شده، ایجاد کرد بدین ترتیب فلوت ساخته می‌شود و به همین دلیل در این مناطق کسی کیبوتر را نمی‌کشد یا از گوشتش تغذیه نمی‌کند و تا امروز این ساز با پره‌های کیبوتر تزئین می‌شود.»

از مرغ افسانه‌ای عنقا نیز می‌توان یاد کرد. عنقا سمبل تجدید حیات است. فلوت پیوسته با این مرغ افسانه‌ای ارتباط دارد. در چین امروزی نیز تعدادی از انواع فلوت نام و فرم این مرغ را دارا هستند.

شکل بعضی از سازها هم با اشکال مختلف حیوانات هماهنگی دارد. از جمله سازی به نام «غُزْغُوه» که از صفحه‌های چوبی، استخوانی یا فلزی تشکیل شده و معمولاً دارای طرح «ماهی» است. انتهای این صفحه سوراخی دارد که از آن نخی عبور کرده و به آن گره زده می‌شود. چرخش صفحه به وسیله نخ سبب می‌شود که از ساز صدایی همانند غُزْغُوه خارج شود. طرح ماهی ساز با آب و صدای آن با باد در ارتباط است. از این رو نواختن این ساز موجب ریزش باران می‌شود.^۱

در کتاب «بهجةالروح» که بعضی مترجم آن را «عبدالؤمن صفی‌الدین بلخی» دانسته آمده است:

«استادان هر کس از قوت دراکه هر آهنگی از جانوری معلوم کرده و در سلک نغمات درآورده‌اند.»

اصوات و حیوانات اقلیم‌ها

امروزه نیز در موسیقی بعضی از مناطق و نواحی ایران توسط نوازندگان محلی وصف‌هایی از اصوات طبیعت و صدای حیوانات نیز می‌شود. در موسیقی ترکمن صحرا و دشت گرگان نوازندگان دوتار در ساز خود به توصیف صدای پرندگان و حیوانات

می‌پردازند و از این میان به وضوح صدای اسب و پای اسب را که در زندگی آنها نیز نقش اساسی دارد تقلید می‌کنند و نیز قطعاتی بر مبنای توصیف اصوات طبیعی و صدای حیوانات در موسیقی آنها رایج است.

سازها در موسیقی غربی نیز به تقلید صدای حیوانات می‌پردازند. از ابتدای دوره‌ی باروک قطعه‌ی معروف آنتونیو ویوالدی موسوم به «کنسرتوگروسو چهارفصل» سرشار از تقلید صدای پرندگان است. وی در قسمت اول این کنسرتو در توصیف بهار صدای پرندگان چهجه‌ی بلبلان بهاری را توسط ویلن‌ها تقلید می‌کند.

«ژان فیلیپ رامو» آهنگساز فرانسوی در همین دوره قطعه‌ای تصنیف کرده که در آن صدای «مرغان» را روی کلاوسن تقلید کرده است.

با الهام از همین قطعه‌ی رامو، در دوره‌ی کلاسیک آهنگسازی به نام «هایدن» در سمفونی شماره ۸۳ خود و در تم اول و دوم سمفونی خود صدای مرغ را با ارکستر تقلید می‌کند و با وجود این که شباهت بسیار ضعیف است اسم «مرغ» از آن زمان به سمفونی شماره ۸۳ هایدن اطلاق شده است.

سونیت فانتزی «کارناوال حیوانات» را «سن‌سانس» در حدود سال ۱۸۸۶ میلادی برای مجلس ضیافت یکی از دوستانش تصنیف کرده بود. ولی در زمان حیات او به جز «آهنگ قو» که یکی از قطعات کوچک آن است، منتشر نشد. شاید آهنگساز فرانسوی گمان می‌کرده که این موسیقی که تقلیدی از صدای حیوانات است به شهرت او لطمه خواهد زد ولی پس از مرگ او «کارناوال حیوانات» شهرت بزرگی کسب کرد. کارناوال حیوانات شامل چهارده قطعه کوچک است. مقدمه کارناوال با آهنگ باشکوهی ورود شیر، پادشاه حیوانات، را اعلام می‌کند. پس از آن به ترتیب، مرغ و خروس، قاطر، لاک‌پشت، فیل، کانگورو، حیوانات آبی، درازگوشان، کوکو، پرندگان و قو وارد صحنه می‌شوند و کارناوال با رقص دسته‌جمعی آنها خاتمه می‌یابد. مهم‌ترین قسمت کارناوال حیوانات، آهنگ قو است که با نوای جذاب ویلنسل و همراهی ارکستر حرکت آهسته قو را در دریاچه‌ای مجسم می‌کند.

«دیلیوس» (۱۹۳۴-۱۸۶۲ میلادی) آهنگساز دیگری است که در قطعه‌ای به نام «هنگام شنیدن نخستین آواز فاخته» به تقلید صدای فاخته (کوکو)

پرداخته است. وی این قطعه را در توصیف نواحی بهاری ساخته است.

سیبلیوس (۱۸۶۵ میلادی) قسمت سوم از سونیت کالیوالا خود را به نام قوی توتونلا نامیده است و در آن نوای غم‌انگیز قو را توسط کرآنگله همراه با سازهای زهی با سوردین نواخته است. در این قطعه صدای قوگاهی با ویولا و ویولنسل نیز شنیده می‌شود.

آلبرو ویل (۱۹۳۷-۱۸۶۹ میلادی) در سال ۱۹۱۳ میلادی بالتی به نام ضیافت عنکبوت ساخته است که اشخاص این بالت حشرات یک باغ شامل: عنکبوت، مورچه، پروانه، آخوندک، کرم درخت و پشه است. و داستان آن از این قرار است که عنکبوت برای ضیافت خود پروانه‌ای را به دام می‌اندازد آن‌گاه در میان تارهای خود پیچیده به کنار می‌گذارد اما پیش از آنکه موفق به خوردن آن بشود دو آخوندک او را می‌گیرند و می‌کشند.

روسل برای توصیف این داستان کوچک با در نظر گرفتن آن‌که حشرات وزنی ندارند، موسیقی سبکی انتخاب کرده که به خوبی حرکات و جهش آنها را مجسم کرده است.

پروکفیف (۱۹۵۳-۱۸۹۱ میلادی) در سال ۱۹۳۶ میلادی داستان سمفونی کودکان معروف خود را به نام پیتر و گرگ تصنیف کرده و نخستین بار در تئاتر کودکان مسکو به مورد اجرا گذاشت. پروکفیف طی این داستان سعی کرده صدای سازها را به کودکان بشناساند و به همین جهت در مقدمه توضیح داده است که هر یک از اشخاص داستان با صدای یکی از سازها مجسم شده است. گنجشک با فلوت، اردک با اوبوا، گربه با کلارینت، گرگ به سه هورن، پیتر یا چهار ساز زهی (ویلن)، پدر بزرگ پیتر با فاگوت و صدای شکارچی به آهنگ تسیمپانی‌ها تقلید شده و پروکفیف برای هر کدام لایت موتیف‌هایی نیز به کار برده است.^۲

ریمسکی کورساکف آهنگساز روسی نیز در قطعه‌ی معروف خود به نام پرواز زنبور عسل به تقلید صدای زنبور و پرواز زنبور نیز پرداخته است.

۱. دکتر محمدتقی مسعودیه، مبنای اتنوموزیکولوژی (موسیقی‌شناسی تطبیقی)، نشر سروش، چاپ اول ۱۳۶۵ شمسی.

۲. سعدی حسن، تفسیر موسیقی کلاسیک